

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: علی کاظمی

۳۰ جنوری ۲۰۲۵

ادامه کشتار خلق فلسطین و گسترش مقاومت علیه جنایات اسرائیل!

چهارشنبه ۱۰ بهمن - دلو - ۱۴۰۳

این آن چیزی است که پس از ۱۵ ماه جنگ خانواده‌ای در غزه هنگام بازگشت به خانه با آن روبه‌رو شد



بستان درختان پرتقال، زیتون و خرما که روزی در مقابل خانه نعمان ابوجراد قرار داشت، را بولدوزرها نابود کرده بودند. از گل‌های رز و یاس روی پشت‌بام و حیاط – که او با عشق به آن‌ها آب می‌داد تا خانواده‌اش از عطرشان لذت ببرند – نیز دیگر اثری نبود.

خود خانه هم به چارچوبی توخالی و آسیب‌دیده تبدیل شده بود. اما پس از ۱۵ ماه جنگ بی‌رحمانه، همچنان پابرجا بود. دوشنبه، وقتی نعمان، همسرش مجیده و سه تا از شش دخترشان در سایه غروب نارنجی‌رنگ خورشید به خانه رسیدند، چمدان‌هایی را که از سحرگاه حمل کرده بودند، روی زمین گذاشتند و به سجده افتادند. آن‌ها زمزمه می‌کردند: "الحمد لله، الحمد لله".

خانواده ابوجراد، پس از ۱۵ ماه کابوس‌وار آوارگی، به خانه بازگشتند. ۴۷۷ روز جهنمی – فرار در طول نوار غزه، پنهان شدن از بمباران، تحمل گرمای جانکاه در چادرها، تقلا برای تأمین غذا و آب، از دست دادن همه دارایی‌ها – سرانجام به پایان رسید و به خانه رسیدند.

مجیده گفت: "شادی ما بی‌نظیر است؛ نه شادی موفقیت درسی، نه شادی عروسی و نه شادی تولد یک فرزند. این شادی را با هیچ کلام یا نوشته یا بیان دیگری نمی‌توان توصیف کرد."

در اکتبر، در یک سالگی جنگ غزه، خبرگزاری آسوشیتدپرس داستان فرار خانوادگی ابوجراد را در سراسر این منطقه برای یافتن سرپناه پی گرفت. آن‌ها هشت نفر از حدود ۱.۸ میلیون فلسطینی بودند که در پی حمله گسترده اسرائیل علیه حماس آواره شدند.

مثل بسیاری خانواده‌ها، آن‌ها بارها جابه‌جا شدند. نعمان، مجیده و دخترانشان - کوچک‌ترینشان کلاس اول، بزرگ‌ترینشان ابتدای دهه بیست زندگی - ساعاتی پس از آغاز بمباران اسرائیل، خانه‌شان را در شمالی‌ترین نقطه غزه ترک کردند. در مجموع هفت بار کوچ کردند و تا جنوبی‌ترین شهر غزه، یعنی رفح، رفتند.

شرایطشان هر بار بدتر می‌شد. تا اکتبر ۲۰۲۴، در چادر بزرگی نزدیک خان‌یونس، در اوضاعی خسته و افسرده به سر می‌بردند و امیدی به بازگشت نداشتند.

اما ناگهان امید زنده شد. اوایل همین ماه، اسرائیل و حماس به یک آتش‌بس موردانتظار دست یافتند. در ۱۹ جنوری، همان روز آغاز آتش‌بس، مجیده شروع به جمع کردن لباس‌ها، غذا و دیگر وسایلشان کرد. یکشنبه اعلام شد روز بعد، نیروهای اسرائیلی از دو جاده اصلی عقب می‌کشند تا فلسطینی‌ها بتوانند به شمال برگردند.

از دوشنبه تاکنون، بیش از ۳۷۵ هزار فلسطینی در مسیر بازگشت به شمال غزه هستند و بیشتر آن‌ها پیاده راهی آن‌چه از خانه هایشان به جا مانده، شده‌اند.

خانواده ابوجراد ساعت ۵ بامداد دوشنبه از چادر خود راه افتادند. آن‌ها وسایلشان را درون خودرویی بار کردند که آن‌ها را تا ورودی "گذرگاه نتساریم" - نوار زمینی در سراسر غزه که اسرائیل به منطقه نظامی تبدیلیش کرده بود - رساند. این منطقه تا همین هفته مانع بازگشت مردم به شمال شده بود.

آنجا از ماشین پیاده شدند و در کنار جمعیت انبوهی که از جاده ساحلی می‌رفتند، پیاده به راه افتادند. نعمان ۴۹ ساله (که پیش از جنگ راننده تاکسی بود) در حدود ۸ کیلومتر (۵ مایل) یک گونی را روی پشتش حمل کرد، یک گونی را بغل گرفته بود و دو کیسه هم به آرنج‌هایش آویخته بود. بارها توقف کردند تا استراحت کنند، وسایل را جابه‌جا کنند و بعضی چیزها را در راه جا بگذارند.

مجیده به خبرنگار آسوشیتدپرس که با آن‌ها همراه بود گفت: "مسیر واقعاً دشوار است. اما شوق بازگشت، خستگی ما را از یاد می‌برد. هر متری که جلو می‌رویم، همین شادی به ما قدرت می‌دهد ادامه دهیم."

در حومه جنوبی شهر غزه، یک ون کرایه کردند؛ اما زود سوختش تمام شد و آن‌ها بیش از یک ساعت منتظر ماندند تا یک ون دیگر پیدا کنند. با گذر از شهر، برای اولین بار چشمانشان به ویرانی گسترده شمال غزه افتاد.

در ۱۵ ماه گذشته، اسرائیل بارها عملیات نظامی در شهر غزه و مناطق اطراف آن انجام داد تا مبارزان حماس را از بین ببرد؛ مبارزانی که اغلب در محله‌های پرجمعیت فعالیت می‌کردند. بعد از هر حمله، شبه‌نظامیان دوباره سازمان‌دهی می‌کردند و حمله دیگری آغاز می‌شد.

در خیابان‌های شهر، توده‌های آوار دیده می‌شد؛ ساختمان‌های آسیب‌دیده که فقط دیوار هایشان مانده بود یا به انبوهی از بتن خردشده تبدیل شده بودند.

نعمان درحالی‌که از پنجره بیرون را تماشا می‌کرد، گفت: "همه‌چیز در این منطقه نابود شده." آن‌ها از شهر غزه وارد بیت‌لاهی و بیت‌حانون شدند؛ دو شهری که در سه ماه آخر پیش از آتش‌بس، شاهد یکی از وحشیانه‌ترین حملات اسرائیل بود.

با غروب آفتاب، ون در حاشیه محله شان توقف کرد. دختران نعمان خشکشان زده بود. یکی با دستان روی گونه‌هایش دهانش را باز نگه داشته بود و دیگری با دست به خانه‌های صاف‌شده اشاره می‌کرد. آخرین چندصد متر را روی زمینی ناهموار و خاک‌برداری‌شده پیمودند.

نعمان - که کیسه هائی از آرنج و شان‌هایش آویزان بود - با هیجان مدام تکرار می‌کرد: "الله اکبر، الله اکبر. شکر خدا." خانه هنوز به نوعی سرپا بود؛ ساختمانی توخالی در ردیفی از ساختمان‌های تخریب‌شده. پس از دعا در جلوی خانه، نعمان به دیوار سیمانی خانه تکیه داد و آن را بوسید. با خوشحالی به یک شاخه گل رونده در مقابل خانه خیره شد؛ بلافاصله مشغول مرتب‌کردن و رسیدگی به شاخه‌هایش شد.

یکی از دخترها از ورودی بی‌در خانه داخل دوید: "یا رب، یا رب." صدای شگفتی‌اش از تاریکی داخل خانه شنیده می‌شد. بعد گریه‌اش گرفت؛ گوئی همه شوک، اندوه، شادی و آرامش در یک لحظه در او فوران کرده بود. درست مثل هزاران نفری که به شمال غزه برمی‌گردند، خانواده ابوجراد هم با پرسشی سخت روبه‌رو است: چگونه می‌توان در میان خرابه‌های شهرهائی که جنگ ویران کرده، زنده ماند؟ آب و غذا همچنان کمیاب است و جمعیت هنوز نیازمند کمک‌های بشردوستانه‌اند که در دوره آتش‌بس رو به افزایش است. برق وجود ندارد. ده‌ها هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند.

خانه برادر نعمان در کنار خانه آن‌ها سه طبقه داشت، اما حالا بر اثر حمله هوائی کاملاً ویران شده و آوارش به خانه نعمان آسیب زده است. او گفت: "خدا را شکر، یک اتاق سالم مانده که در آن زندگی خواهیم کرد." او قول داد به تعمیر خرابی‌ها بپردازد.

نعمان گفت: غصه جنگ هنوز بر او سنگینی می‌کند. عمویش خانه‌اش را از دست داده و چند فرزند عموهایش کشته شده‌اند. خانه همسایه‌هایش هم تخریب شده است. به گفته او، مثل روزهای زندگی در کمپ، احتمالاً برای آوردن آب باید کیلومترها پیاده برود.

او گفت: "دوباره باید رنج بکشیم و خستگی را تحمل کنیم."

منبع: آسوشیتدپرس

چهارشنبه ۱۰ بهمن - دلو - ۱۴۰۳

بسته شدن آنروا، مردم فلسطین را نابود خواهد کرد



سازمانی که در سراسر غزه، اورشلیم شرقی و کرانه باختری خدمات حیاتی ارائه می‌دهد، به دنبال تصویب ممنوعیت اسرائیل، در آستانه تعطیلی در ۱ فبروری قرار دارد و کسی نمی‌داند چه اتفاقی خواهد افتاد.

فاطمه جهالین درحالی‌که صورتش را به میله‌های آبی‌رنگ پنجره داروخانه تکیه داده بود، برای گرفتن چند بسته اضافی دارو التماس می‌کرد. او ماهانه داروهای فشارخون، کلیه و انسولین را از داروخانه‌ای در یک درمانگاه متعلق به آنروا (آژانس امدادسانی و کاریابی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی) در اورشلیم شرقی تهیه می‌کند.

او می‌گفت: "اگر این داروها را بخواهم از جای دیگر بخرم، برای ماهانه ۴۰۰ شکل (حدود ۹۰ پوند) هزینه خواهد داشت. ما پولش را نداریم؛ ما پناهنده‌ایم."

افزون بر آن، فاطمه هر سه ماه یکبار مجبور است آزمایش خون بدهد که بیرون از این درمانگاه ۱۵۰ شکل (۳۰ پوند) هزینه دارد، یا درمان منظم چشمش که آنروا هزینه‌اش را پوشش داده و گرنه برایش بسیار گران درمی‌آید.

به گزارش گاردین در غزه، اورشلیم شرقی و کرانه باختری، بروز فاجعه‌ای برای آنروا نزدیک است: طبق مصوبه پارلمان اسرائیل، فعالیت این نهاد سازمان ملل از پایان ماه جاری میلادی در کل آن مناطق ممنوع می‌شود.

فاطمه می‌گوید: "مطمئنم آنروا بسته می‌شود؟" و درحالی‌که دست‌هایش را بر ران‌هایش می‌زند با نگرانی می‌پرسد: "واقعاً نمی‌دانم باید چه کنم - فقط خدا می‌تواند کمکمان کند اگر قرار باشد این درمانگاه را تعطیل کنند."

یک کارمند آنروا در حال قفل کردن در درمانگاه اردوگاه پناهندگان شعفاط در اورشلیم شرقی بود؛ درمانگاهی که بیماران زیادی به آن وابسته‌اند.

وقتی پارلمان اسرائیل در اکتبر گذشته طرح ممنوعیت فعالیت آنروا را تصویب کرد، فتحی صالح - مدیر خدمات اردوگاه پناهندگان شعفاط در حومه اورشلیم - صبح به دفترش آمد و با صدها نفر وحشت‌زده روبه‌رو شد که می‌خواستند بدانند اگر این آژانس تعطیل شود، چه بر سرشان خواهد آمد.

صالح گفت: "اگر خدماتی که ما ارائه می‌دهیم قطع شود، مانند قطع اکسیژن برای مردم اینجاست. این کار مردم را نابود خواهد کرد."

صالح خودش فرزند همین اردوگاه است. دفترش در محل یک بوفه قدیمی شهری برای کودکان واقع شده و اکنون او مسئول همان مدارس، خدمات پزشکی و کارکنان جمع‌آوری زباله‌ای است که در تمام عمر با آن‌ها سروکار داشته. با این حال، هنوز نمی‌داند اول فبروری، وقتی به دفترش در اردوگاه بیاید، چه ماجرائی در انتظارش است.

ممکن است وقتی گوشی تلفن را برمی‌دارد صدائی نباشد، یا در دفترش مهر و موم شود و ورود ممنوع گردد، یا بدتر از آن، نیروهای امنیتی اسرائیلی - که اغلب به اردوگاه یورش می‌برند - مقابلش باشند. تمام چیزی که کارکنان آنروا می‌دانند این است که تصمیم سرنوشت‌ساز در اختیار آن‌ها نیست.

صالح می‌گوید: "هر احتمالی ممکن است." هنگامی که مردم برای پرسیدن وضعیت به دفترش می‌آیند، او به آن‌ها اطمینان می‌دهد که آنروا تا زمانی که بتواند، به حدود ۳۰ هزار پناهنده - ثبت‌شده و ثبت‌نشده - ساکن شعفاط خدمات بهداشتی، آموزشی و جمع‌آوری زباله را ارائه خواهد داد. اما "تا وقتی دیگر واقعا نتوانیم کاری بکنیم."

اردوگاه پناهندگان شعفاط خانه ده‌هزار نفر است که در ۲ کیلومتر مربع در میان ساختمان‌های بلند و سیم‌های درهم تنیده برق زندگی می‌کنند و با دیوارهای بلند بتنی، یک برج نگهبانی و یک ایست بازرسی محصور شده‌اند. صالح نگران است که کامیون‌های آنروا که برای جمع‌کردن زباله‌هایی که روزانه انباشته می‌شود دیگر نتوانند بیایند.

او می‌گوید: "این اردوگاه روزانه ۲۰ تا ۲۵ تن زباله تولید می‌کند؛ تصور کنید چه فاجعه‌ای می‌شود اگر نتوانیم آن را جمع کنیم. فقط در عرض چند روز می‌شود ۱۰۰ تن زباله در خیابان‌های اردوگاه. چه خواهد شد؟"

حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که طی آن شبه‌نظامیان حماس از نوار محاصره‌شده غزه خارج شده، ۱۱۳۹ نفر را کشتند و بیش از ۲۵۰ نفر را به گروگان گرفتند، رابطه اسرائیل با آنروا را به‌سرعت تغییر داد. مقام‌های اسرائیلی مدت‌هاست از آنروا – که در سال ۱۹۴۹ برای ارائه خدمات متنوعی از جمله آموزش به آوارگان فلسطینی تأسیس شد – انتقاد داشتند. اما در ماه‌های پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل کارکنان آنروا را متهم کرد که با حماس ارتباط دارند و در حمله سهیم بوده‌اند.

در تحقیقات نظارتی رسمی سازمان ملل درباره ۱۹ نفر از کارکنان آنروا، در ماه اوت ۹ نفر از این کارمندان اخراج شدند؛ طبق اعلام فرحان حق، معاون سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، این افراد "احتمالاً در حملات مسلحانه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقش داشته‌اند." اما آنروا بیش از ۳۰ هزار کارمند دارد.

اقدامات سازمان ملل در نظر اسرائیل کافی نیامد. دفتر آنروا در اورشلیم شرقی در میان تظاهرات به آتش کشیده شد. برای جناح راست‌گرای اسرائیل، تصویب ممنوعیت فعالیت آنروا یک پیروزی بود؛ چراکه بر اساس آن، هرگونه ارتباط میان نهادهای اسرائیلی و این آژانس سازمان ملل – که حالا یک سازمان تروریستی خوانده می‌شود – کاملاً قطع می‌شود.

اوایل همین هفته، دولت اسرائیل از آنروا خواست تا ۳۰ جنوری دفترش را تخلیه کند. یکی از معاونان شهردار راست‌گرای شهر، آریه کینگ، خواستار برگزاری تظاهرات مقابل این دفتر در همان روز شد و گفت: "شمارش معکوس ادامه دارد. تا اخراج آنروا از اورشلیم فقط سه روز مانده است."

فیلیپ لازارینی، کمیسرکل آنروا، اوایل همین هفته به شورای امنیت سازمان ملل گفت تعطیلی این نهاد تنها در اورشلیم شرقی، ۷۰ هزار بیمار و بیش از ۱۰۰۰ دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اردوگاه شغافط تنها اردوگاه آنروا است که به‌طور رسمی در خاک اسرائیل قرار دارد. اگر این آژانس سازمان ملل در آنجا تعطیل شود، شهرداری اورشلیم شاید مجبور شود بخش‌هایی از وظایف آن را به‌عهده بگیرد. صالح می‌گوید که شهرداری هیچ اطلاعی درباره طرحی برای خدمات به او نداده است.

سعاد شویفی، ۶۷ساله، هنگام خرید سبزیجات در خیابان‌های شغافط می‌گوید: "ما هیچ اطلاعی درباره آینده نداریم." همه نوه‌هایش – ۱۳ نفر – در مدارس آنروا درس می‌خوانند و اکنون نیمه سال تحصیلی است. این مدارس مزیت مهمی دارند: فاصله کوتاهی با خانه دارند.

اودی شاهام مایمون، سخنگوی شهرداری اورشلیم می‌گوید آن‌ها تلاش می‌کنند جایگزین‌هایی ارائه کنند. او تأکید می‌کند ساکنان اورشلیم شرقی، که مدت‌هاست از بی‌توجهی شهرداری به نیازهایشان گله دارند، اگر بخواهند می‌توانند از خدمات جایگزین استفاده کنند.

او می‌گوید برنامه‌هایی برای جذب ۶۵۰ دانش‌آموز در مدارس دیگر اورشلیم "در صورت بسته‌شدن آنروا" آماده است. همچنین می‌توان خدمات جمع‌آوری زباله را آسان‌تر گسترش داد و اردوگاه را نیز پوشش داد. برخی مراکز مراقبت خانوادگی نیز در دسترس هستند.

اما در دیگر مناطق، خطر هرج‌ومرج بالاست؛ به‌ویژه در کرانه باختری که بیش از ۴۵ هزار دانش‌آموز در مدارس آنروا درس می‌خوانند و صدها هزار نفر از ۴۳ مرکز مراقبت‌های اولیه آنروا استفاده می‌کنند. این نهاد، خدماتی نظیر جمع‌آوری زباله را در ۱۹ اردوگاه پناهندگان فلسطینی انجام می‌دهد. این اردوگاه‌ها زیر نظر دولت فلسطینی (تشکیلات خودگردان) که خود در تنگنای مالی است، اداره نمی‌شوند؛ به این معنا که اگر آنروا بسته شود، احتمالاً هیچ سرویسی برایشان باقی نمی‌ماند.

در غزه نیز آنروا مدت‌هاست بزرگترین نهاد امدادسانی محسوب می‌شود که توزیع کمک‌ها برای بیش از ۲ میلیون نفر را هماهنگ می‌کند و برای فعالیت در قلمرو محاصره‌شده نیاز به همکاری (ولو محدود) با اسرائیل دارد. پرستاران و یکی از مدیران در درمانگاه آنروا در شغاف می‌گویند نیروهای اسرائیلی در ایست‌های بازرسی میان محل کارشان در شهر رام‌الله کرانه باختری و اردوگاه، صریحاً خصومت نشان می‌دهند. پیش‌تر اگر خودروئی با نشان آنروا به ایست می‌رسید، حتی بدون نگاه‌کردن به کارت شناسائی سازمان ملل، اجازه عبور می‌گرفت؛ اما حالا سربازان آن‌ها را به‌طور جداگانه بررسی می‌کنند.

یکی از مدیران به نام عادل کریم می‌گوید: "ما زمانی با افتخار کارت شناسائی آنروا را نشان می‌دادیم؛ چون به آن احترام می‌گذاشتند. اما حالا آن‌ها را پنهان می‌کنیم. وقتی به سربازها کارت آنروا نشان بدهیم، می‌گویند آن را قبول ندارند و باید کارت شناسائی فلسطینی‌مان را ببینند."

یک پرستار به نام ابو عمر گفت: "روز اول فبروری ما به محل کار خواهیم آمد؛ چاره‌ای نداریم. تا وقتی در درمانگاه باز باشد، ما می‌آئیم و وظایفمان را انجام می‌دهیم. اگر بیایند که ما را بیرون کنند، با پای خودمان نمی‌رویم." او با لبخند و حیرت درحالی‌که به میز تکیه داده بود، ادامه داد: "بیشتر ما ۱۰ یا حتی ۱۵ سال است اینجا کار می‌کنیم. دیگر کجا برویم؟"

صالح گفت احساس می‌کند این ممنوعیت، حمله‌ای فراتر از خدمات روزمره‌ای است که آنروا عرضه می‌کند. "اگر این ممنوعیت اجرائی شود، روز غم‌انگیزی برای منشور سازمان ملل خواهد بود. این یک حمله به خود سازمان ملل است."